

نضر بن شعیب از وی نقل حدیث کرده‌اند (طوسی، اختیار، ۵ - ۶). ابواحمد محسن بن احمد بجلی که از اصحاب امام رضا (ع) به شمار می‌رود از ابان روایت کرده است (آقابزرگ، ۱۳۵/۲ - ۱۳۶). سیوطی وی را دارای تصنیفات متعدد می‌داند بی‌آنکه از آنها نامی ببرد (بغیة، ۱۷۷). دیگر نسب شناسان شیعی تنها یک کتاب مفصل به نام *المبتدا و المغازی و الوفاة والردة* را از او نام می‌برند (نجاشی، ۱۰) که برخی نام آن را *المبدأ والمبعث والمغازی والوفاة والسقیفة والردة* ثبت کرده‌اند و آن را کتابی بزرگ و خوب دانسته‌اند (طوسی، الفهرست، ۷)، ولی از وجود این کتاب چیزی دانسته نیست. از میان کتاب شناسان، تنها آقابزرگ آن هم به نقل از طوسی و نجاشی نام این کتاب را آورده است (الذریعة، ۴۷/۱۹). طوسی می‌نویسد ابوعبدالله محمد بن محمد بن سعید گفته است که من این کتاب را نزد ابان خوانده‌ام (الفهرست، ۷ - ۸).

ماخذ: آقابزرگ، الذریعة؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، لسان البیان، حیدرآباد دکن، ۱۳۲۹ ق؛ جندی، عبدالحلیم، الامام جعفر الصادق (ع)، قاهره، ۱۳۹۷ ق؛ حلی، حسن بن علی، الرجال، تهران، ۱۳۴۲ ش؛ حلی حسن بن یوسف، خلاصة الاقوال، تهران، ۱۳۱۰ ق؛ سمعانی، عبدالکریم، الانساب، به کوشش عبدالرحمن بن یحیی المعلمی، حیدرآباد دکن، ۱۳۸۲ ق؛ سیوطی، جلال‌الدین، بغیة الوعاة، قاهره، ۱۳۲۶ ق؛ شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، الملل و النحل، به کوشش محمد بن فتح‌الله بدران، مصر، ۱۳۷۰ ق؛ طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، به کوشش حسن مصطفوی، مشهد، ۱۳۴۸ ش؛ همو، الفهرست، به کوشش محمود رامیار، مشهد، ۱۳۵۱ ش؛ نجاشی، احمد بن علی، الرجال، قم، ۱۳۹۸ ق؛ یاقوت، معجم الادباء، بیروت، ۱۲۰۰ ق، ۱۰۹/۱. احمد شریعتی

أبان بن أبی عیاش، ابو اسماعیل فیروز بصری تابعی (د ۱۳۸ ق / ۷۵۵ م)، محدث شیعی در سده ۲ ق / ۸ م. سال مرگ او را حدود ۱۴۰ ق / ۷۵۷ م و ۱۲۸ ق / ۷۴۶ م نیز دانسته‌اند (ابن حجر، تقریب التهذیب، ۳۱/۱؛ ذهبی، ۱۴/۱).

از تاریخ تولد و دیگر جزئیات زندگی ابن ابی عیاش چیز زیادی دانسته نیست. همین اندازه گفته شده که از موالی عبدالقیس بوده است (بخاری، ۵۰/۲). او از برخی از بنام‌ترین محدثان قدیم روایت کرده است، از آن جمله: انس بن مالک (طبری، ۱۰۶/۲)، سلیم بن قیس هلالی (طوسی، الفهرست، ۱۶۲)، ابراهیم بن یزید نخعی، حسن بصری (د ۱۱۰ ق / ۷۲۸ م)، خلید بن عبدالله غصری، ربیع بن لوط، ابو عالیہ رفیع ریاحی، سعید بن جبیر، شهر بن حوشب، عطاء بن ابی رباح، مسلم ابن یسار، مسلم البطين، موزق عجلی، ابوالصدیق ناجی و ابونضرة عبیدی (حافظ مزی، ۱۹/۲). در این میان بیش‌ترین روایت او از انس ابن مالک است که صحابی و خادم پیامبر بود (ابن عدی، ۳۷۵/۱). محدثان بسیاری در سده دوم از ابن ابی عیاش حدیث شنیده و یا روایت کرده‌اند که از این قرارند: عمر بن حفص، یزید بن عمرو (طبری، همانجا)، عمر بن اذینه (کلینی، ۴۴/۱)، سفیان ثوری (ابن حبان، ۹۶/۱)، عثمان بن عیسی، حماد بن عیسی (طوسی، همانجا)،

صفت لؤلؤی را یاقوت حموی بدان افزوده است (معجم، ۱۰۸/۱). درباره زندگی ابان احمر چندان چیزی دانسته نیست. همین اندازه می‌توان گفت که وی اصلاً اهل کوفه بوده، ولی گاه در این شهر و زمانی در بصره می‌زیسته است. اغلب رجال‌شناسان، او را از اصحاب امام جعفر صادق (ع) و امام موسی کاظم (ع) دانسته‌اند. وی شاگردانی همچون ابوعبیده معمر بن مثنی و محمد بن سلام جَمَحی تربیت کرده است که از ادیبان معروف زمان خویش و علمای بزرگ لغت و نحو به شمار رفته‌اند و آگاه به فقه و حدیث و علوم قرآنی بوده‌اند (طوسی، الفهرست، ۷؛ نجاشی، ۱۰).

در زمینه اخبار شعرا و نسب و ایام (عرب) مطالب بسیاری از وی نقل کرده‌اند و برخی نیز درباره قوت حافظه او سخن بسیار گفته‌اند (ابن حجر، ۲۴/۱). محمد بن مسعود به نقل از ابوالحسن علی بن حسن فضال، مذهب ابان را ناووسی دانسته است (طوسی، اختیار، ۳۵۲؛ همو، الفهرست، ۵). پیروان این فرقه، اعتقاد به غیبت امام جعفر صادق (ع) داشته‌اند و می‌گفته‌اند که او زنده است و مهدی موعود هموست (شهرستانی، ۳۳۸). درباره ناووسی بودن ابان بیش‌تر نویسندگان رجال امامیه، به روایت محمد بن مسعود به نقل از ابوالحسن علی بن فضال، که خود از فرقه افطحیه بوده است، استناد جسته‌اند که طوسی آن را آورده است. عده‌ای دیگر از رجال‌شناسان امامیه این نظر را قبول نکرده‌اند و معتقدند که وی امامی بوده است. از جمله دلایل این عده این است که در بعضی از نسخه‌های کتاب اختیار طوسی، به جای «قادیسیه»، «ناوسییه» ضبط شده است که مآلاً منجر به این توهم شده که او از «ناووسییه» بوده است. دلیل دیگر اینکه علمای رجال و حدیث امامی، او را از «اصحاب اجماع» شمرده‌اند که با ناووسی بودن وی مغایرت دارد (حلی، حسن بن یوسف، ۱۳). نسب‌شناسان امامی بر صحت احادیثی که به طریق صحیح از ابان احمر روایت شده باشد، اتفاق نظر دارند و وی را جزء ۶ تن از محدثان مورد اعتماد امامی که به «اصحاب اجماع» معروف شده‌اند، می‌شمارند. اینان عبارتند از: جمیل بن ذراج، عبدالله بن مسکان، عبدالله بن بکیر، حماد بن عیسی، حماد بن عثمان و ابان بن عثمان احمر که بعضی ابان احمر و برخی جمیل بن ذراج را بر ۵ تن دیگر برتری داده‌اند (حلی، حسن بن علی، ۱۱؛ جندی، ۲۲۱).

ابان احمر، روایات بسیاری از امام جعفر صادق (ع) و امام موسی کاظم (ع) نقل کرده است. بسیاری از راویان مورد وثوق امامی از وی نقل حدیث کرده‌اند. وی از طریق ابوبصیر، ابوعبیده الحذاء، بریده عجلی، حارث بن مغیره، زراره، شهاب بن عبدربه، طیار، عقبه بن بشیر اسدی، عمر بن یزید، فضیل رسانی، فضیل بن عثمان، لیث مرادی و محمد بن زیاد نقل حدیث کرده است که همگی از راویان موثق امامی به شمار رفته‌اند. نیز بسیاری از دیگر روات موثق امامی مانند: جعفر بن بشیر، جعفر بن محمد بن حکیم، حسین بن اشکیب، عباس بن عامر، علی بن حکم، فضالة بن ایوب، محمد بن ابی عمیر، مرزبان بن عمران و

ابراهیم بن ابی بکره شامی، ابراهیم بن عبدالحمید بن ذی حمایه، ابواسحاق ابراهیم بن محمد فزاری، ارطاة بن منذر، بکر بن خنّیس، حارث بن نبهان، حسن بن ابی جعفر، حسن بن صالح بن حّی، حفص ابن جُمیع، حفص بن عمر البار قاضی حلب، حماد بن سلمه، حماد بن واقد، خلیل بن مُره، داوود بن زبرقان، زید بن حبان رقی، سعید بن بشیر، سعید بن عامر ضَبّعی، شهاب بن خراش، صالح مُری، طعّمه بن عمرو جعفری، عباد بن عباد مُهلّبی، عبدالرحمن بن ثابت بن ثوبان، عبدالرحیم بن واقد، عمران قطّان، عتبّسه بن عبدالرحمن قرشی، فضیل بن عیاض، محمد بن جُحاده، محمد بن فضل بن عطیّه، معمر بن راشد، ابو حنیفه نعمان بن ثابت، یزید بن هارون و ابوعاصم عبادانی (حافظ مزّی، ۲/۲۰).

با اینهمه رجال شناسان، اعم از شیعی و سنی، ابن ابی عیاش را توثیق نکرده‌اند (طوسی، رجال، ۱۰۶؛ علامه حلی، ۹۹؛ حلی، ۴۱۴). البته برخی از رجال شناسان متأخر شیعی مانند حاج میرزا حسین نوری (۳۲/۳) و مامقانی (۳/۱) کوشیده‌اند او را «مؤثق» نشان دهند، اما دلایل آنان در این باب وافی به مقصود نیست. محدثان بنام اهل سنت نیز او را در مجموع غیر قابل اعتماد دانسته‌اند (نسائی، ۴۷؛ دارقطنی، ۲۸۵؛ جوزجانی، ۱۰۲؛ ابن حجر، تهذیب التهذیب، ۹۸/۱؛ به نقل از احمد بن حنبل).

اینکه چرا ابن ابی عیاش را از ثقات شمرده‌اند، دلایل قطعی نمی‌توان ارائه داد. نوری بر این نظر است که وی به دلیل شیعی بودن از سوی مخالفین تضعیف شده (همانجا) و از متروکین شمرده شده است. این سخن با ضعیف شمردن ابان در کتب رجالی شیعه سازگار نیست. بعضی از رجال شناسان اهل سنت، ابن ابی عیاش را به این دلیل ضعیف و غیر قابل اعتماد شمرده‌اند که در حفظ حدیث ضعیف بوده (حافظ مزّی، ۲/۲۲) و در نقل حدیث و راویان آن دچار فراموشی می‌شده است (ذهبی، ۱/۱۲). در عین حال ابن ابی عیاش از نظر سلامت عقیده و ایمان و پارسایی مورد تأیید همگان، و به ویژه اهل سنت است. ابن حبان او را از عابدان و زاهدان دانسته که شبها را به تهجد و روزها را به روزه‌داری می‌گذرانده است (۹۶/۱). همچنین گفته شده که او لباس پاکیزه می‌پوشیده و ظاهری آراسته داشته است. از این رو سفیان بن عیینه روایت کرده که مالک بن دینار ابان را «طاووس القراء» لقب داده است (ابن عدی، ۳۷۴/۱).

شیعی بودن ابان قطعی است، هر چند برخی گفته‌اند که او در آغاز شیعه نبوده است (مازندرانی، ۱۶۳/۲). طوسی او را از اصحاب امام علی بن حسین (ع)، امام محمد باقر (ع) و امام جعفر صادق (ع)، دانسته است (رجال، ۸۳، ۱۰۶، ۱۵۲)، در عین حال شگفت می‌نماید که از آن سه تن حدیثی نقل نکرده و یا اگر نقل کرده در کتب روایی شیعی موجود نیست.

بیش‌ترین شهرت ابن ابی عیاش در نزد شیعیان، روایت وی از ابو صادق سلیم بن قیس عامری هلالی کوفی است. سلیم از یاران امام

علی (ع) بود و در روزگار حجاج بن یوسف ثقفی (د ۹۵ ق/ ۷۱۴ م) زنده بود. حجاج به دلیل شیعی بودن، سلیم را طلب کرد، ولی او گریخت و در یکی از نواحی فارس به ابان پناهنده شد. هنگامی که سلیم در مخفی گاه خود در آستانه مرگ قرار گرفت، کتابی را به ابان تسلیم کرد که در آن حوادث و رویدادهای پس از درگذشت پیامبر آمده بود (علامه حلی، ۹۹). (این کتاب با عنوان السقیفه ابجد الشیعه، معروف به کتاب سلیم بن قیس کوفی در ۱۹۸۰ م در بیروت چاپ شده است). پس از ابان این کتاب از طریق محدثانی چون حماد بن عیسی و عثمان بن عیسی (طوسی، الفهرست، ۱۶۲) و دیگران روایت شده است. به گفته طوسی ابان گمان کرده بود که سلیم بن قیس این کتاب را بر امام علی ابن حسین (ع) خوانده و او آن را تأیید کرده است (اختیار، ...، ۳۲۱)، اما نکته قابل توجه این است که به عقیده علامه حلی این کتاب را کسی غیر از ابان روایت نکرده است (ص ۹۹) که البته این امر می‌تواند ناشی از شرایط سخت دوران حجاج برای شیعیان در عراق و وجود نسخه انحصاری کتاب باشد. صرف نظر از محتوا، اهمیت دیگر کتاب در آن است که نخستین تألیف شناخته شده شیعه در مسائل اعتقادی و به خصوص عقاید سیاسی است (ابن ندیم، ۲۷۵).

مأخذ: ابن حبان، محمد بن احمد، المجروحین، به کوشش محمود ابراهیم زاید، بیروت، ۱۳۹۶ ق/ ۱۹۷۶ م؛ ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، تقریب التهذیب، به کوشش عبدالوهاب عبداللطیف، بیروت، ۱۳۹۵ ق/ ۱۹۷۵ م؛ همو، تهذیب التهذیب، حیدرآباد دکن، ۱۳۲۵ ق/ ۱۹۰۷ م؛ ابن عدی، عبدالله، الکامل فی ضعفاء الرجال، بیروت، ۱۴۰۵ ق/ ۱۹۸۵ م؛ ابن ندیم، الفهرست؛ بخاری، محمد بن اسماعیل، التاريخ الصغير، به کوشش ابراهیم زائد، بیروت، ۱۴۰۶ ق/ ۱۹۸۶ م؛ جوزجانی، ابراهیم بن یعقوب، احوال الرجال، به کوشش صبحی البدری، بیروت، ۱۰۴۵ ق/ ۱۹۸۵ م؛ حافظ مزّی، یوسف بن عبدالرحمن، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، به کوشش بشار عواد معروف، بیروت، ۱۴۰۴ ق/ ۱۹۸۴ م؛ حلی، حسن بن علی، الرجال، تهران، ۱۳۴۲ ش؛ دارقطنی، علی بن عمر، «الضعفاء والمتروکون»، ذیل کتاب فی الضعفاء والمتروکین، به کوشش عبدالعزیز عزالدین لسیروان، بیروت، ۱۹۸۵ م؛ ذهبی، محمد بن احمد، میزان الاعتدال، به کوشش علی محمد بجاوی، قاهره، ۱۳۸۲ ق/ ۱۹۶۲ م؛ طبری، تاریخ، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، ۱۹۶۰ - ۱۹۶۸ م؛ طوسی، محمد بن حسن، اختیار معرفة الرجال، به کوشش میرداماد آسترآبادی، قم، ۱۴۰۴ ق؛ همو، رجال، به کوشش محمد کاظم الکتبی، نجف، ۱۳۸۰ ق/ ۱۹۶۰ م؛ همو، الفهرست، به کوشش محمود رامیار، مشهد، ۱۳۴۸ ش؛ عینی، محمد بن عمرو، الضعفاء الکبیر، به کوشش عبدالمنعم امین قلجی، بیروت، ۱۴۰۴ ق؛ علامه حلی، حسن یوسف، رجال، قاهره، ۱۳۸۲ ق/ ۱۹۶۲ م؛ کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، به کوشش علی اکبر غفاری، تهران، ۱۳۸۸ ق؛ مازندرانی، محمد صالح بن احمد، شرح اصول کافی، به کوشش ابوالحسن شعرانی، تهران، ۱۳۸۳ ق؛ مامقانی، عبدالله، تنقیح المقال، نجف، ۱۳۵۱ ق؛ نسائی، احمد بن علی، «الضعفاء والمتروکون» ذیل کتاب فی الضعفاء والمتروکین، به کوشش عبدالعزیز عزالدین لسیروان، بیروت، ۱۹۸۵ م؛ نوری، حسین بن محمدتقی، مستدرک الوسائل، تهران، ۱۳۱۸-۱۳۲۱ ق.

حسن یوسفی اشکوری

أَبَانُ بْنُ تَغْلِبٍ، أَبُو سَعِيدٍ بْنُ رُبَاحٍ بَكْرِي جُرَيْرِي كِنْدِي رُبَعِي كُوفِي (د ۱۴۱ ق/ ۷۵۸ م)، ادیب، قاری، فقیه، مفسّر و از محدثان بنام امامیه (نجاشی، ۷ - ۸). بیش‌تر مأخذ کتبه او را ابوسعید و برخی ابوسعید (حافظ مزّی، ۶/۲؛ صفدی، ۳۰/۵) یا ابن سعید (حلی، ۱۲)